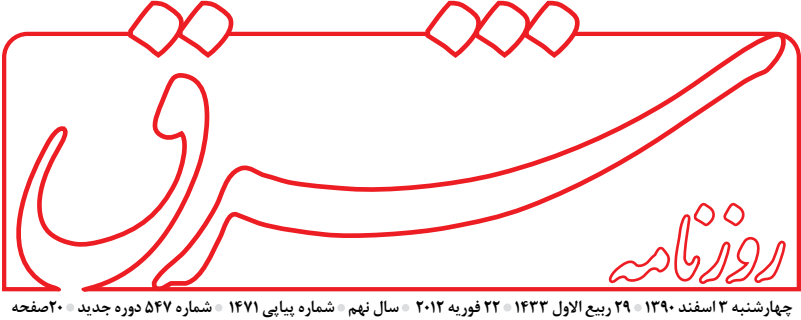




تهران : آذان ظهر ۱۲:۱۸ آذان مغرب ۱۸:۱۱ آذان صبح فردا ۵:۱۹ طلوع آفتاب ۶:۴۳

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۳۳۹۱-۲ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹-۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۵۷۵
امور مشترکین: ۲۲-۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: نشر روز تاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewsaper.ir



چهارشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۰ - ۲۹ ربیع الاول ۱۴۳۲ - ۲۲ فوریه ۲۰۱۲ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۴۷۱ - شماره ۵۴۷ دوره جدید - ۲۰ صفحه

فروشگاه مرکزی شهر کتاب، میزبان گزازی می‌شود

شرق: فروشگاه مرکزی شهر کتاب در نشست دیداری با اهل قلم خود که با هدف تعامل بیشتر میان نویسندگان و شعرا با مخاطبان طراحی شده و سعی در ایجاد ارتباط بی‌واسطه میان هنرمندان و مخاطبان دارد، میزبان میرجلال‌الدین کزازی خواهد بود. کزازی، استاد دانشگاه نویسنده، مترجم و پژوهشگر برجسته ایرانی در زبان و ادبیات فارسی و از چهره‌های ماندگار است. این برنامه روز شنبه ششم اسفند، ساعت ۱۷ در فروشگاه مرکزی شهر کتاب واقع در خیابان شریعتی، بعد از خیابان استاد مطهری، شماره ۷۴۳ برگزار می‌شود.

کلیه مشاهیر

نیچه، نابغه خیر ندیده

نوشین پیروز



■ سال‌هاست که اندیشه و کتاب‌های «فریدریش ویلهلم نیچه» در سرتاسر دنیا تدریس و تحلیل می‌شود. زندگی او نه فقط برای کسانی که به فلسفه علاقه‌مند هستند، بلکه برای نویسندگان و دست‌اندرکاران فیلم‌ها هم جذاب شده؛ حتی در یک مغازه لوازم منزل در ایتالیا، سطل آشغالی دیدم که روی آن نقاشی از نیچه را که مانع شلاق خوردن اسی در «تورین» به دست صاحبش می‌شد، چاپ کرده بودند و رویش نوشته شده بود: «سطل اندیشه!» نیچه در «روکن» (آلمان -ایالت راکسن آنهالت) در خانه‌ای که هنوز هم می‌شود آن را دید به دنیا آمد؛ قبر او هم در همین شهر کوچک است. شهر آنقدر کوچک و نیچه آنقدر بزرگ و معروف است که با دنبال کردن تابلوهای راهنما به راحتی می‌شود خانه محل تولد، قبر و کلیسای شهر را پیدا کرد. اما بیشتر دوران کودکی نیچه بعد از مرگ پدرش در شهر «مورنبرگ» گذشت. این خانه را هم در حال حاضر می‌شود دید. (و این گاردتن شماره ۱۸) جایی که وقتی بسیار مریض بود، مادرش از او نگهداری کرد و خواهرش قبل از بردن او به شهر «وایمر» («رشیو نیچه» را برای اولین بار در این خانه تأسیس کرد. نیچه به دلیل وضع جسمانی بدی که داشت هیچ وقت نتوانست در یک شهر زندگی کند و بین آلمان، سوئیس و ایتالیا همیشه در رفت‌وآمد بود. تنها در شهر کوچکی به نام «سیلس ماربا» در سوئیس حالش بیشتر اوقات خوب بود. می‌گویند او هرگز به اندازه مدتی که در اینجا زندگی می‌کرد، سالم و قوی و پرازری نبوده است. او اتاقی در یک پانسیون داشت که در حال حاضر تبدیل به موزه کوچکی شده است. «سیلس ماربا» جایی بسیار آرام با طبیعتی بی‌نظیر است. اینجا عظمت و زیبایی نفسگیر طبیعت انسان را در برابر خود به زانو درمی‌آورد؛ جایی که نیچه ساعت‌ها قدم می‌زد و عادت داشت به پیاده‌روی‌های طولانی برود و در محیطی چنین اسرارآمیز و زیبا، که توصیف آن را در شاهکاری چون «چنین گفت زرتشت» می‌خوانیم به تفکر و اندیشه خود نظم و پرسوال دهد؛از میز کارو یک نمونه از اولین کتابش در اینجا نگهداری می‌شود. او اغلب تابستان را در سوئیس و زمستان را در ایتالیا می‌گزراند. اینجا با عنوان «خانه نیچه» معروف است، اما ساختمان «رشیو نیچه» در شهر «وایمر» در ویلای بزرگ و زیبایی در خیابان «هومبولت شماره۲۶» قرار دارد. الزیبت (خواهرش) بعد از مریضی نیچه آرشپو او را همراه برادرش از نورنبرگ به وایمر (آلمان - ایالت تورینگن) انتقال داد. خانه‌ای که الزیبت تا آخر عمر از برادر بیمارش نگهداری کرد. تمامی آثار، کتاب‌ها و یادداشت‌ها، نامه‌ها و مجسمه، عکس، دست‌نوشته‌ها، فیلم و خلاصه آنچه مربوط به اوست، در این خانه آرشپو شده است. در اینجا از اتاق او و بعضی لوازم شخصی نیچه هم نگهداری می‌شود. کتابخانه بزرگی از تمامی آثار نیچه در این ساختمان برای استفاده و تحقیق وجود دارد. وقتی تمام آثار او را یکجا کنار هم دیدیم یاد پدربزرگم افتاد. وقتی اینترنت نداشتم، پدربزرگم نقش «توگل» را برای من داشت. یکبار از او پرسیدم: نیچه چطور مرد؟ گفت: از بس که سعی کرد به آندهای نفهم چیزی بفهماند، خُل شد. مردا طفلکی از فهم زبانش، در این دنیا هیچ خبری ندید؛با آخرین عکس نیچه که با تگاهی گنگ در کنار خواهرش نشسته خیره می‌شوم، پدربزرگم راست می‌گفت: خدا عاقبت همه را ختم به خیر کند.



کافه نظر

سبدی خالی از کتاب



پوریا سوری: اگر روی دکه روزنامه‌فروشی نگاه کنید، با همین روزنامه «شرق» را دست بگیرید، خواهید دید که روزنامه‌گران شده، دلیل اصلی‌اش هم این است که خرجش با دخلش نمی‌خواند. اگر سری به کتابفروشی‌ها هم بزنید و یک‌راست بروید سمت پیشخوان کتاب‌های جدید، خواهید دید که کتاب‌های چاپ شده در چند ماه اخیر با قیمتی بالاتر از گذشته منتشر شده‌اند، به‌گونه‌ای که تفاوت رشد قیمت کمالاتوی چشم می‌زند، دلیل اصلی‌اش هم کاملاً واضح است، ناشران که همان ناشران قدیمی هستند، با همان علایق و سلاقی فرهنگی، اما نکته‌ای که سبب شده قیمت کتاب‌های‌شان را به یک‌باره بالا ببرند آن است که دخل‌شان با خرج‌شان نمی‌خواند.

مسئله سرمایه‌گذاران روزنامه‌ها و ناشران، مانند هر صنف دیگری حق دارند که کالایشان را به قیمتی بفروشند که حداقل از جیب نگذارند. چرا که قیمت کاغذ در عرض یکسال دو برابر شده و قیمت فیلم و زینک و خدمات چاپی را هم اضافه کنید خواهید دید که حق دارند. اما سوال اصلی این است که حقوق متقابل ما و کالای فرهنگی چه می‌شود؟

شما به عنوان یک خواننده آثار مکتوب، اعم از کتاب و روزنامه، واکنش‌تان نسبت به گران شدن اقدام فرهنگی مورد اشاره چیست؟ آیا همچون گذشته سیدتان بر است از این کالاها، یا فکر می‌کنید با بالا رفتن قیمت‌ها قدرت خریدتان شـددیدا کاهش یافته است. فکر می‌کنید جایگزین دیگری برای این نیاز باید دست و پا کرد یا حذف کالای فرهنگی را از سبد خانواده امری اشتباه می‌دانید.

منوچهر حسن‌زاده ◀ مدیر نشر مروارید



گران شدن این روزهای کتاب امری بدیهی و روشن است. زیرا هم کاغذ گران شده است، هم مرکب و هم ابزار چاپ. در این شرایط ما به‌عنوان ناشر سعی می‌کنیم گزیده‌تر کار کرده و کتاب‌های ضروری‌تر و البته پرفروش‌تر را نشر دهیم که این امر و گرانی کتاب صددرصد باعث می‌شود خریداران کتاب تقلیل پیدا کنند.

در فرآیند افزایش قیمت کتاب، جدا از فشاری که به خریدار این قلم فرهنگی می‌آید، مقدار زیادی استرس و فشار هم به ناشر و اهل قلم وارد می‌شود. هم از نظر تولید اثر و هم از نظر سودی که ناشر، مولف یا مترجم بنیاست از ارایه خدماتش ببر، عملاً کاهش پیدا می‌کند یا در مواردی حذف می‌شود تمام موارد فوق نهایتاً موجب می‌شود که به تدریج تولید، فروش و خرید کتاب آسیب ببیند و صدمه کلی‌تر به پیکره فرهنگ کشور وارد شود. مسله‌ما خسراتی جبران‌ناپذیر و موثر در کاهش سطح فرهنگ عمومی است.

علیرضا ربیسی‌دانیان◀ مدیر انتشارات نگاه



افزایش قیمت کاغذ به‌طور طبیعی باعث افزایش قیمت کتاب خواهد شد و به دنبال آن نیز سبب ریزش کتابخوانی و کتاب خریدن در جامعه پدید خواهد آمد. به عبارتی دیگر کتاب در سبد خانواده‌ها کم یا محو خواهد شد. بنابراین کاهش فرهنگ و توسعه آن در کشور سیر نزولی را طی خواهد کرد. باید دست‌اندرکاران

فکر اساسی برای این کار بکنند.

لیلی گلستان ◀ مترجم و مدیر گالری «گلستان»



روزنامه‌ها را می‌توان از طریق اینترنت هم دنبال کرد اما متحمل هزینه‌های کمتر شد اما من به شخصه روزنامه کاغذی را ترجیح می‌دهم، باید دستم به کاغذ روزنامه بخورد و روزنامه کاغذی بخوانم! اگر تا چند هفته پیش هر روز دو تا روزنامه می‌خردیم و می‌خواندم، حالا ترجیح می‌دهم یکی از آنها را بخرم و دیگری را هم از طریق اینترنت دنبال کنم. هفته پیش هم رفتم کتابفروشی و آن‌قدر قیمت‌ها گران شده بود که پنج کتاب انتخاب کردم و توانستم فقط دواتی آنها را بخرم. این برایم خیلی ناراحت‌کننده بود. این گرانی مفرط تاسف‌برانگیز است. چاره‌ای هم نیست و کاری نمی‌توانیم بکنیم. این گرانی هم مثل گرانی همه اقلام ضروری دیگر است.

فرزاد موتمن ◀ کارگردان سینما



مسئله این نیست. گران‌شدن روزنامه و کتاب آن شکلی به درآمد من لطمه‌ای نمی‌زند. فشار مالی به همراه ندارد. فشارها از جای دیگری است. فشار از آنجاست که شخص بنده یکسال پیش درست همین موقع‌ها برای «سپما فیلم» فیلم ساختم و هنوز دستم‌زد را نگرفتم. یا اسفند ماه پارسال فیلم دیگری برای شبکه چهار ساختم که تازه یک‌ماه پیش دستم‌زد من آن هم به شکل ناقص پرداخت شده، خب چرا؟ من می‌فهمم که ایراد از: «سپما فیلم» نیست. ایراد از «شبکه چهار» هم نیست. ایراد انگار از کلیت سیستم اقتصادی و بانکی مملکت است که اجازه می‌دهد نگاهان خزانة بانک مرکزی خالی شود، تحت این عنوان که «ختلاس» شده و پول‌ها از مملکت خارج شده! آن وقت اولین جایی که بودجه‌هایش حذف می‌شود همین نهادهای فرهنگی و هنری است. ما کماکان کتاب و روزنامه می‌خوانیم. مشکل کلان‌تر از این حرف‌هاست.

حسام‌الدین سراج ◀ موزیسین



ترجیح می‌دهم مثل قبل کتاب و روزنامه بخرم چون علاقه‌مند هستم و هر کسی به موضوعی علاقه‌مند باشد، حتماً حاضر است برایش هزینه کند اما در کل بهتر است طوری برنامه‌ریزی شود که به طبقه متوسط برای خرید کالاهای فرهنگی بیش از حد فشار وارد نشود.

مسعود رایگان ◀ بازیگر سینما



مسئله آثار مکتوب نسبت به آثار اینترنتی در ارجحت هستند. چون اینترنت تکلیف شخصی ندارد. یک روز وصل است و روز دیگر هم معلوم نیست که وصل است یا قطع اما گران شدن محصولات مکتوب امری طبیعی است. همان‌طور که بنزین، دالر و... گران می‌شوند، کاغذ و نشر هم گران می‌شود. اما هر قدر هم که گران شود، اگر کتابی لازم داشته باشیم

می‌خرم و می‌خوانم، چنانکه هر روز روزنامه می‌خریم و به نظرم نباید از خواندن آثار مکتوب به دلیل گرانی طبیعی آن صرف نظر کنیم.

شهلا لاهیجی ◀ مدیر نشر روشنگران و مطالعات زنان



روند ازدیاد قیمت کاغذ در این مدت اخیر، بی‌شک تأثیر چشمگیری را بر قیمت پشت جلد کتاب‌ها خواهد گذاشت. با وضعیت موجود، گران‌شدن کتاب‌ها یک اتفاق حتمی است و با هیچ تمهیدی نمی‌توان آن را بهبود بخشید. مگر آنکه اتفاق‌هایی در بخش کاغذ و مایحتاج چاپ رخ دهد. مشکل هم فقط کاغذ نیست؛ بلکه باقی مایحتاج نشر نیز مستلزم تورم شدیدی شده‌اند. مثلاً فیلم و زینک کمپاب شده و در صورت وجود در بازار، بسیار گران است. متأسفانه گران شدن کتاب، پهنای مضاعف برای مردم خواهد شد تا کمتر مطالعه کنند. بنابراین عرصه نشر، روزهای سخت را پیش‌رو دارد؛ زیرا با تقای خانواده‌ها برای خرید شب عبید و فشار اقتصادی ایام پس از نوروز، بدون شک دغدغه خرید کتاب را در میان مردم و خانواده‌ها از بین می‌برد. در چنین شرایطی ما تردید داریم که کتاب‌های تازه خود را که لایرم قیمت پشت جلدشان با افزایش روبه‌رو است، منتشر کنیم یا نه؟ چرا که تردید داریم که با افزایش چشم‌گیر قیمت کتاب‌ها، باز هم مردم مثل قبل کتاب بخزنند و بخوانند. برای عبور از چنین بحرانی تنها دو باقی می‌ماند که اولی تصویب و اعمال دوباره یارانه کاغذ به ناشران است تا ناشران بتوانند با قیمت دولتی کاغذ بخزنند و قیمت کتاب‌ها را پایین نگه‌دارند. البته این گزینه، گزینه مطلوبی نیست زیرا اصولاً تخصیص یارانه و کاغذ دولتی، راه را برای ایجاد فسادهای مالی و اقتصادی باز می‌گذارد. اگرچه اصل را بر برائت است، ولی شرط عقل آن است که راه را بر بروز فساد ببندیم. براین اساس، تخصیص یارانه کاغذ، خواسته و ناخواسته باعث می‌شود که عده‌ای تنها با انگیزه تجارت کاغذ، به عرصه نشر با بگازند. مثل ناشران تازه‌کاری که در سال‌های اخیر حواله خود را بافاصله پس از تحویل، در بازار کاغذفروشان به پول تبدیل می‌کردند. اما راه دوم، که راه منطقه‌تر و پسندیده‌تری هم برای ناشران است، خرید متوازن و عادلانه کتاب توسط ارشاد از ناشران است. این روند؛ اگر به صورت مشخص و با میزان‌های معلوم، عملی شود، می‌تواند تأثیر چشمگیری را در کنترل قیمت کتاب‌ها داشته باشد. این راه؛ فواید دیگری را نیز به همراه دارد که یکی از آنها غنی شدن کتابخانه‌هاست که نمره‌ای نظیر بالا رفتن میزان مطالعه عمومی مردم هم دارد.

تهمینه میانی ◀ کارگردان سینما



سرور کار روزانه من با همین روزنامه و کتاب است. به‌دلیل شغلم اصلاً نمی‌توانم کتاب نخوانم. کتاب و روزنامه خواندن اینترنتی و دیجیتال را هم دوست ندارم. با اینترنت نهایتاً می‌توان تیتترها را مرور کرد؛ این گرانی‌ها شاید سرانه خرید روزنامه‌ها را کم کند، اما بعید می‌دانم که بر فروش کتاب‌ها تأثیر چندانی داشته باشد. کسی که کتابخوان است، در هر شرایطی کتاب می‌خرد. من هم یک کتابخوان حرفه‌ای هستم. حتی اگر کتاب تا حدی گران شود که بر وضعیت اقتصادی‌ام تأثیر منفی جدی بگذارد، اگر غلبه نباشد، حاضرم گوشت نخرم، اما کتاب بخروم و بخوانم.

ابوعطا

پول توجیبی خود را چه‌گونه خرج می‌گردانید



■ البته بر همه کس واضح و مبهرن است که پول توجیبی موضوع بسیار مهمی می‌باشد؛ چرا که ما دانش‌آموزان کوشا و ساعی در این دوران تحریم اقتصادی با نهادهایسازی برون‌رفته‌ها از چالش‌های کارسازانه و راهبردهای راهکارمندانه، می‌یابستی که برنامه‌ریزی خوبی برای پول توجیبی خود داشته باشیم. و صد البته که این راهبردهای راهکارمندانه توسط هر یک از ما دانش‌آموزان ساعی و کوشا به شکل متفاوتی انجام می‌گرداند. مثلاً دانش‌آموز اکبرزاده که هر سال افزوده می‌شود، پول توجیبی خود را صرف خریدن نوشابه‌های انرژی‌دار و شکلات‌های خارجی می‌گرداند تا مشتتش قوی‌تر بگردد. اما چون اکبرزاده موی گریه خورده و هرچه می‌خورد سیرومنی ندارد، از همیاری‌های خودجوش مردمی نیز استفاده می‌گرداند؛ یعنی به سراغ بچه‌های دیگر می‌رود و بچه‌های دیگر نیز خوراکی‌های خود را به شکل کاملاً خودجوش به او می‌دهند و قرار می‌نمایند. بنابراین راهبردار راهکارمندانه اکبرزاده در آینده باید همانا استفاده بیشینه از همیاری‌های خودجوش باشد.

یک هم‌شاگردی دیگر ما پورساحلی می‌باشد که او از قدیم و ندیم عادت می‌داشت پول توجیبی خود را به خرید پول‌های خارجی اختصاص بگذراند. پورساحلی که فامیل‌هایش در خارج می‌باشند و خیلی مگن و خنده‌دار و در نوع خود پدیده‌ای می‌باشد، از همان کلاس اول یک فقره کار گروه اقتصادی تشکیل گردانده بود و پول‌های توجیبی بچه‌ها را می‌گرفت‌اند بود و در عوض به آنها قول‌های زیادی گردانده بود، مانند پس دادن اصل پول‌های توجیبی بچه‌های بعد از امتحان نهایی کلاس پنجم، عضویت در کار گروه نهادهایسازی راهبردها، کمک‌هزینه برون‌رفت، پرداخت یارانه‌های معنوی، نهادهایسازی چالش‌ها در سفره بچه‌ها و به‌خصوص رد نکردن اسم آنها به آقای ناظم وقتی که وی در آینده مبصر شده؛ پس معلوم می‌شود که پورساحلی از همان کلاس اول برای مبصر شدن یک فقره راهبردار راهکارمندانه گردانید. بعد ما یکبار دیدیم که پورساحلی راهکاردار فوق‌الذکر با پول‌های بچه‌ها به مغازه صحافی که همان پول‌فروشی می‌باشد می‌رود و پول‌های خارجی مثل دلار استکمار می‌خرد، اما وقتی ما را دید، گفت که راهبردار راهکارمندانه او این است که این پول‌ها را آتش بزند تا استکمار بی‌پول و گدا بگردد. بنابراین ما باید به این پورساحلی راهکاردار فتخار بگردانیم؛ چون همان‌طور که قول داده بود چالش‌ها را در سفره بچه‌ها نهاده‌اند کرد و آن بچه‌ها نمی‌دانند او سال بعد که کلاس پنجم برویم پول‌شان را پس خواهد داد یا نه؛ چون اصرارآبادی می‌گفت که بابای پورساحلی به مدرسه آمده و به آقای ناظم گفته که آخر سال پیش فامیل‌های‌شان در خارج خواهند رفت.

اما هم‌شاگردی دیگر ما خاتم‌آبادی می‌باشد که او پول توجیبی خود را به خرید کتاب می‌گرداند و به‌جای خرید از بوفه مدرسه، از خانه‌شان نان و پنیر می‌آورد؛ اکبرزاده هم که نان و پنیر دوست ندارد، اغذیه خاتم‌آبادی را مورد همیاری خودجوش قرار نمی‌دهد؛ فقط در عوض گاهی برای او جفت‌ای می‌گرداند تا خاتم‌آبادی به زمین بخورد. معلوم نمی‌باشد که این خاتم‌آبادی که این همه فقره کتاب می‌خواند چرا دیوانه نمی‌گردد؛ چون بابای ما می‌گوید هر که زیاد کتاب بخواند دیوانه می‌گردد، مثل شوهرخاله فرهنگی ما که پول‌هایش را یک عالمه کتاب می‌گرداند و یکبار که خالهمان می‌خواست بچه کند و یک فقره دخترخاله بزیابد، او که پول نداشت همه کتاب‌ها را به قیمت مفت فروخت. برای همین بابای ما می‌گوید شوهرخاله ما هم دیوانه گردانیده که هنوز در شرایط تحریم کتاب می‌خرد و این نیز دلیل دیگری می‌باشد که تحریم‌ها هیچ اثری روی شوهرخاله مانی‌باشند.

ما در پایان انشای خود از بابای خود تقاضا می‌گردانیم، به ما پول توجیبی بیشتری بگرداند تا بتوانیم همان یک همیشگی را از بوفه مدرسه بخیریم و با این راهبردار راهکارمندانه از گرسنگی نمریم و قبول می‌دهیم که با خاتم‌آبادی نگردیم و کتاب نخوانیم و هیچ‌وقت دیوانه نگردیم.

رویداد

خلعتبری در خانه تئاتر از موسیقی دراما نیک می‌گوید

■ شرق: جلسه بحث و گفت‌وگو درباره موسیقی دراما نیک با حضور فردین خلعتبری (آهنگساز) در خانه تئاتر ایران برگزار می‌شود. در این نشست اعضای انجمن‌های اصلی خانه تئاتر و اعضای انجمن موسیقی خانه تئاتر حضور خواهند داشت. این جلسه روز ششم اسفند ساعت ۱۸ در سالن آصفی تئاتر خانه تئاتر ایران برپا خواهد شد. علاقه‌مندان برای حضور در این نشست می‌توانند به آدرس چهارراه ولی عصر، خیابان برادران مظفر جنوبی، پایین‌تر از بیمارستان مدائن، نیش کوچه ماه، ساختمان آفتاب، طبقه اول، خانه تئاتر ایران مراجعه کنند.